



مهدی جعفری-مدیرعامل گروه نساجی الگانت

و نایب رئیس اتاق بازرگانی سمنان



آسیب شناسی ناترازی انرژی در کشور

مراودات و به نوعی از بین رفتن مرزهای جغرافیایی به عنوان موانعی برای کنترل اقتصاد کشور، دیگر نمی توان به راحتی کشور را از ورود کالا به اشکال مختلف ایزوله و مسدود کرد لذا بازار مصرف در انتظار عرضه نخواهد بود و قاچاق به طرق مختلف به تامین نیازهای مردم در قالب مکانیزم دفاعی اجتماعی عمل کرده و کشور علاوه بر آنکه بازارهای رقابتی و صادراتی را از دست می دهد بلکه موجب عقب ماندگی صنعت کشور در سيطرة کالاهای خارجی قاچاق و یا حتی وارداتی از مجاری رسمی خواهد شد.

تجربه نشان داده است به دلیل پهناوری مرزهای جغرافیایی ایران و همسایگی با ۱۵ کشور کنترل مرزها برای جلوگیری از قاچاق سخت و تاکنون ناموفق بوده است. به طور مثال در بخش نساجی شاهد واردات قاچاق در این بخش تا بیش از ۴ میلیارد دلار در سال هستیم که این موضوع باعث شده ضربات سنگینی به این بخش وارد شود و در صورت تدام قطعی برق و بحران تامین انرژی شاهد نابودی این صنعت قدیمی و مهم کشور خواهیم بود.

۴. بیکاری فزاینده:

بیکاری یکی از خوف آورترین مشکلات اجتماعی یک

ناترازی در فرایند تولید فرصت های تولید را از دست خواهد داد و با کاهش درآمد بنگاه های اقتصادی و تولیدی سهم ایران از بازارهای بین المللی نیز به شدت کاهش می یابد.

از سوی دیگر بحران ناترازی انرژی که منجر به قطعی برق می شود موجب خرابی و استهلاک مواد اولیه، دستگاهها و حتی در بسیاری موارد تولیداتی می شود که نیاز به نگهداری ویژه و خاص دارند.

با توجه به تحریم مزمین که سالهاست کشور را درگیر خود کرده است بسیاری از دستگاهها و تجهیزات صنعتی از عمر زیادی و برخی عمری بیش از معمول دارند و به شدت نیاز به روزرسانی دارند و نگهداری و پایداری آنها برای تولید در شرایط بسیار خاص و طاقت فرسا و با هزینه های گزاف صورت می گیرد که قطعی مکرر برق می تواند به این دستگاهها آسیب جدی وارد کرده و عمر مفید آنها را به شدت کاهش داده و هزینه نگهداری و تعمیر آنها را سرسام آور سازد که گاهی از توان تولیدکننده و سرمایه گذار خارج است.

۴. کاهش تولید:

ناترازی انرژی در کشور موجب کاهش تولید شده و از آنجایی که در دنیای کنونی و به واسطه گسترش

پیش بینی مراکز پژوهشی و تحقیقاتی از روند ناترازی انرژی و به طور مشخص تولید و مصرف برق در کشور نشان می دهد که کشور در این بخش در حال ورود به بحران انرژی می باشد. بر اساس این برآوردها پیش بینی می شود ناترازی انرژی در این بخش در سال آینده حدود ۲۸ هزار مگاوات خواهد بود که این ناترازی می تواند از ابعاد مختلف قابل بررسی باشد. این واقعیات تلخ بیانگر ضرورت توجه به این معضل به صورت یک موضوع امنیتی بالقوه در ساختار تصمیم گیری کشور است.

۴. بحران ملی:

قطع برق خسارات و آسیب جدی و سنگینی به اقتصاد ملی وارد می کند به طوری که علاوه بر توقف تولید در کارخانه ها، منجر به کاهش تولید و در نتیجه از دست دادن سفارش مشتری و بازار داخلی و خارجی خواهد شد.

تداوم این روند موجب ناترازی در فرایند تولید شده و نهایتاً واحدهای تولیدی به منظور حفظ ساختار تولیدی خود مجبور به تعدیل نیرو و افزایش بحران بیکاری عمدتاً اقشار ضعیف و ناتوان می شوند.



کشور است که ریشه بسیاری از بحران های سیاسی و اجتماعی در همین موضوع دارد.

بیکاری معیار و شاخصی برای ترازسنجی ارکان و ساختار اقتصادی و اجتماعی یک کشور محسوب می شود به طوریکه وقتی نرخ بیکاری در حد معینی فراتر رود به وضوح بیماری و عارضه در بخش های مختلف اقتصادی به ویژه تصمیم سازان مشهود است.

بنا به آمار از مراجع رسمی و غیر رسمی اما معتبر نرخ بیکاری در ایران از ۹ تا ۱۵ درصد بیان شده است که البته این نرخ مربوط به بیکارانی است که به طور فعال جویای کار هستند

این درصد بیانگر بیش از ۵ میلیون جویای کار ایرانی است که تداوم ناترازی انرژی و بحران کمبود برق و سوخت می تواند منجر به تعدیل اجباری و ناگزیری و نامطلوب در بنگاه های اقتصادی شده و بر تعداد بیکاران افزوده شود. اتفاق ناگواری که قطعاً بستر نارضایتی اجتماعی و تلاطمات در جامعه را ایجاد خواهد کرد.

در بخش نساجی با احتساب حدود هشت هزار واحد در این بخش در کشور حدود یک میلیون اشتغال در بخش های مختلف نساجی ایجاد شده است که ناترازی انرژی می تواند تاثیر نامطلوبی فقط در این عرصه به جای گذارد.

« علت شناسی ناترازی انرژی در ایران:

تردیدی نیست که ساختار انرژی ایران از جهت سیاستگذاری و توسعه همه جانبه و متوازن به طور خاص در سال های اخیر دچار عارضه و آسیب شده است که ناشی از سیاستگذاری های نادرست و غیرواقع بینانه

انرژی در کشور است به طوری که نتیجه تصمیمات سلیقه ای و مقطعی منجر به نظامی بی برنامه و ناتوان و توسعه نیافته در این بخش شده است.

تحریم ها از عوامل اصلی بروز مشکلات عدیده اقتصادی می باشد که تاثیر خود را در این بخش نیز نشان داده است.

علاوه بر آنکه روند رشد مصرف در ایران محل بحث است اما نشانگرهای اقتصادی کشور در اثر تحریم ها بیانگر زمینگیر شدن رشد توسعه در همه ابعاد به ویژه تامین انرژی می باشد.

صنعت برق کشور به واسطه تحریم ها نتوانسته است سرمایه گذاری های مناسب و پایدار و مولدی داشته باشد و در جذب تکنولوژی جدید و به روز رسانی تجهیزات تاسیسات مربوطه نیز از فناوری جهانی عقب است به گونه ای که نیروگاه های حرارتی کشور با راندمان تولیدی ۳۶ درصد در مقایسه با راندمان تولیدی جهانی معاد ۶۰ درصد از شکاف فاحش تکنولوژیکی و بهره وری رنج می برند.

واقعیت دردناک آن است که برای رسیدن به نقطه سراسری یعنی تراز میان تولید و مصرف باید حدود ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری در یک دوره زمانی ۵ ساله با فناوری و تکنولوژی جدید صورت گیرد که با تداوم تحریم ها، دستیابی به این نقطه محال و غیرممکن است.

انرژی های پاک و تجدیدپذیر

برنامه ششم دولت را مکلف کرده بود تا ۱۰ هزار مگاوات برق از محل انرژی های تجدیدپذیر تولید و تامین کند اما در طول ۷ سال اجرای این برنامه فقط حدود ۵۰۰ مگاوات از این محل برق تولید شد که معادل حدود ۵

درصد برنامه است و عملاً این بخش از برنامه ششم زمین ماند، برنامه هفتم توسعه نیز تولید ۱۲ هزار مگاوات برق از این محل را پیش بینی و بر عهده دولت گذاشته است و این در حالی است که دولت در تحقق اهداف خود در این بخش در برنامه قبلی موفق نبوده و هیچ چشم انداز ملموس و عینی به منظور تحقق تولید ۱۲ هزار مگاواتی هم در اختیار و دسترس مردم قرار ندارد. البته دولت در این خصوص اقدام به برگزاری جلسات و نشست هایی کرده و طرح هایی را هم ارائه داده است اما تاکنون هیچکدام نتوانسته است افق روشن و مشهود و اطمینان بخشی را برای فعالان اقتصادی نشان دهد.

۴ نتیجه گیری:

به هر حال آنچه مشخص است سیاستگذاری برای تولید و تامین انرژی به هر شیوه اعم از فسیلی و پاک بدون در نظر داشتن اقتضائات اجتناب ناپذیر مانند تعاملات روان و امن با جهان و دسترسی به تکنولوژی پایدار و قابل اتکا امکان پذیر نیست و تا زمانی که شمشیر تحریم ها بر سر این کشور باشد این معضل نه تنها باقی خواهد ماند بلکه به طور فزاینده ای به سمت بحران ملی پیش خواهد رفت.

۴ سخن کلیدی

صنعت نساجی کشور با بیش از هشت هزار واحد تولیدی و حدود یک میلیون اشتغال مستقیم به شدت متاثر از ناترازی انرژی در کشور است و قطعی مکرر برق و بحران سوخت می تواند این صنعت دیرینه و حیاتی کشور را با مشکل تداوم حیات و فعالیت مواجه کند.